

نعاوی رجوی راجع به اطفال

هموطنان گرامی

پس از انعکاس وسیع "سرنوشت رقت بار کودکان" که موجی از تنفر بر علیه عملکردهای رجوی برانگیخت. نشریه مجاهد این بار خانمی را بنام مهین نظری بمیدان آورده تا در ادامه انتقام‌کشی از اعضای منشعب، او را رودر روی همسرش هادی شمس حائری قرار دهد در مقاله مزبور تلاش شده است انبوهی از سئوالات که از جانب افکار عمومی ناشی از حرکت‌های ضد انقلابی و ضد انسانی بر سر رجوی ریخته است پاسخ داده شود. قصد ما شرح اجمالی بعضی از نکاتی است که در نشریه مجاهد شماره ۳۴۰ آمده است. امیدواریم که درک بهتر حقیقت توشه‌ای باشد برای ملت سرفرازمان که می‌رود تا با اثبات قابلیت که در خور جامعه آزاد ایران است تاروپود هر نوع ارتجاع و دیکتاتوری، رهبرپرستی، مقلدبازی، و دغل‌کاریهای دیگر را چه از نوع غالب یا مغلوب از هم بگسلد و برای همیشه وطن را از لوٹ قلدری و ویژه‌سازیهای حقیرانه و بی‌مقدار پاک گرداند. شمس حائری که در نشریه مجاهد، برای چندمین بار مورد حمله قرار گرفته از اعضای با سابقه سازمان مجاهدین بوده و مبارزات سیاسی‌اش را قبل از تشکیل این سازمان شروع کرده و عمری را با تحمل رنج در مبارزه با شاه و شیخ گذرانده است. وی در سال ۵۴ به مجاهدین خلق روی آورد و پس از تحکیم رهبری بی‌چون و چرای ایدئولوژیک (ولایت فقیه) و اعمال مناسبات چوپان - گله‌ای توسط رجوی و برباد دادن میراثها و ارزشهای مبارزاتی وزیر پانهادن اصول انقلابی - سازمانی، مانند سانترالیسم دمکراتیک و حق انتقاد بر راه و روش گروه رجوی خط بطلان کشید و مانند صدها عضو و فعال دیگر اعلام کناره‌گیری نموده تحویل پلیس امن (مخابرات) عراق و از آنجا روانه اردوگاه التاش رمادی گردید. نامبرده یکبار توسط چماقداران رجوی در شهر محل اقامتش در هلند مورد ضرب و شتم فیزیکی چماقداران رجوی قرار گرفت و بدین وسیله حتی در یک کشور دمکرات رجوی قادر به کنترل خشم و خوی چماقداریش که از رژیم هم تبارش به ارث برده است نبود (پلیس هلند در جریان این حمله قرار دارد) داستان زندانها و شکنجه‌ها و گروگانگیری، تهمت و افترا و مهر و امضا گرفتن جهت مدرک‌سازی و اقسام حربیه‌های آزارروانی بر علیه اعضا متمرّد و منجمله آقای حائری بیانگر گوشه‌ای از ماهیت بغایت ارتجاعی و ضدآزادی آقای رجوی است، قابل ذکر است، بسیاری از کسانی که تاکنون در مناسبات رجوی مانده‌اند با استفاده از شیوه‌های فوق آنها را مورد استثمار قرار داده است رجوی اما پس از تحکیم موضع خطانپذیری و اعلام بخشایش گناهان فردی از اتوریته سیاه خود سواستفاده نموده، طلاق را که در هر آئین زمینی و آسمانی مذموم است جاری ساخت و فتوای انحلال خانواده را صادر نمود و مسائل خانوادگی را تحقیق کرد و آنرا در حد مسائل جنسی تنزل داد. تنها این نمونه آشکار کافیسست که چهره رجوی را برای تمام اقشار جامعه روشن نماید و نیازی به صدها نمونه دغل‌کاریها و فساد در دستگاه او نباشد. در حالیکه بسیاری از مردم (علی‌رغم تلاش رجوی در مخفی نگه داشتن کردارش) به این امر واقف شده‌اند. پس از آنکه خانواده شمس حائری مانند دهها خانواده دیگر توسط امام جدید متلاشی شد، رجوی وارد یک بازی وحشتناک با سرنوشت کودکان این خانواده گردید. طبق فتوای رجوی که در نشستهای طلاق ایراد گردید، "زن مجاهد مادر فرزندش نیست، زن مجاهد همسر شوهرش نیست" (رجوی نشستهای طلاق) در اینجا این سوال پیش می‌آید که طبق منطق غلط و ضد انسانی فوق، آیا خانم نظری میتواند از فرزندان خود یاد کند. با توجه به تضاد مجاهد بودن در دستگاه رجوی با مادری بودن، ایشان چگونه میتواند به فرزندش شکل طبیعی عشق بورزد و آنها را قربانی عشق به رهبری ننماید. آیا نه اینکه هر فرد مجاهد در منطق رجوی باید روح و ریج خود را فدای رهبری کند؟. در اینصورت سرنوشت کودکان چه میشود. کما اینکه در حال حاضر خانم مهین‌نظری در فرانسه بخدمت مشغول است و کودکانش در آلمان بدون سرپرست دلسوز زندگی می‌کنند، اگر از طریق گروگانگیری اطفال، رجوی قصد انتقام‌گیری از شمس‌حائری را نداشت در حالیکه مادر بالای سر آنها نیست، بهتر نبود این کودکان را به پدرشان تحویل میداد؟.

جابجائی کودکان .

در راستای فشار آوردن هر چه بیشتر به شمس حائری، دو فرزند او را که در کشور آلمان بوده بدون توجه بسرنوشت آنها به رمادی منتقل نموده و این در حالی بود که با نصف همان مخارج میتوانست پدر را که دارای پاسپورت اروپائی هم بود به آلمان اعزام نماید در آن زمان آقای حائری خوی و خصلت پاسداری نداشت، اما امروز که فرزندان را طلب میکند دارای خوی پاسداری - آخوندی گردیده است. در آن شرایط سخت و خطرناک رمادی که در مقاله نیز بدان اشاره شده و تا بحال رجوی آنها را کتمان میکرد، این کودکان، فرزندان مجاهدین محسوب نمیشدند و لازم نبود روی آنها کار شود تا از پدر براثت بجویند و حاضر نباشند به رمادی بروند، چنانکه امروز در راستای بهره‌برداریهای حقیرانه و بی‌مقدار سیاسی، این کودکان معصوم مورد شستشوی مغزی قرار میگیرند و با ترفندهای دغلکارانه آنها را وارد جنگ سیاسی با پدرشان نموده‌اند. قابل ذکر است که در همین راستا کودکان دهها خانواده را علی‌رغم اصرار والدینشان برابقا فرزندانشان در اروپا آقای رجوی با مخارج زیاد آنها را از سر کلاس درس به رمادی عودت داد تا در دکه‌های سیگار فروشی بکار مشغول شوند

راستی که در چه دنیای غریبی زندگی می‌کنیم. امروز که شمس حائری فرزندانش را می‌خواهد، قصد باجگیری دارد روزی که آنها را از ضعف گرسنگی و مرگ به مادرشان می‌دهد قصد بامبول درآوردن و اذیت کردن دارد روزی که با فرزندش در مدرسه پس از ۳ سال دوری ملاقات میکند "راهزنی" کرده است و امروز که آنها را می‌خواهد نزد خود بیاورد دارای "روح و خصلت پاسدار-آخوندی گردیده است.

در نوشته‌ای که بنام مهین نظری قلم زنان مجاهد چاپ کرده اند نکات بسیار زیادی از تناقضات و دروغگوئی‌ها و قساوت‌های بیمارگونه جریان رجوی وجود دارد که در فرصتهای آینده بشرح آنها می‌پردازیم، اما عجلتا نکته‌ای را که باید یادآوری کنیم نیست که در پروسه استثماری که رجوی از افرادش بعمل می‌آورد، ابتدا خوراکی را تهیه می‌کنند و شخصی را وادار می‌کنند تا آن خوراکی تبلیغاتی را بچود و این نیز از تاکتیک‌های لورفته این عنصر معلوم الحال است. برای رودروئی با مخالفین سازمانش وقتی که تیغ خودش کند میشود از افرادی که به خدمت خود درآورده و بگونه‌ای رابطه خونی و خانوادگی با فرد دارند استفاده میکند و همه آنها این سربیت را در نوحه‌سرایشان بکار می‌برند "من تاکنون چند بار خواسته‌ام جواب دهم ولی سازمان مانع شده است و گفته‌اند نیازی به ورود تو نیست" این سناریو ناشیانه تاکنون در مورد دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی و دکتر بنی‌صدر و دیگران اجرا گردیده است و آخرینش هم آقای هادی شمس حائری است و معلوم نیست که سازمان چگونه ناگهان به آنها اجازه میدهد، قابل ذکر است که از نحوه انشا همه میدانند که این مطالب نوشته آن افراد نیست.

هموطنان عزیز. اکنون صدها کودک به بهانه جنگ عراق و امریکا که ۳ سال از آن می‌گذرد از والدینشان جدا شده اند و سرنوشت وحشتناک‌تر از بچه‌های رمادی دارند بسیاری از این بچه‌ها از خانواده و انجمنی که به آنها سپرده شده بودند فرار کرده اند و دختر بچگانی که چند شبانه روز در خیابانها و فرودگاههای کشورهای اروپائی سرگردان بودند و شهرداری آنها را جمع‌آوری و بسطه انجمنهای حمایت کودکان تحویل داده اند تا بحال دو کودک به سنهای ۲ساله و ۱۰ساله در اثر بی‌توجهی باصطلاح خانواده‌های هوادار مرده اند. چند ماه پیش دو دختر ۱۵ و ۱۷ساله از ساختمانهای مجاهدین وابسته به رجوی در آلمان فرار کرده و اکنون یکی در هلند و یکی در آلمان نزد خانواده‌های خود می‌باشند. این دو دختر مسایل وحشتناکی را از پایگاههای نگهداری کودکان در آلمان خبر میدهند، اطفالی که چندین بار قصد خودکشی کرده بودند و پدر و مادرشان را می‌خواستند اما مربیان پایگاه که از اعضا گروه رجوی هستند آنها را به خمینی‌گرائی نسبت میدادند تا آنها را ساکت کنند.

تهمت و سند سازی:

در افترا بستن و آسمان و ریسمان کردن و پشت هم‌اندازی و فحاشی، رجوی یدطولائی دارد و تمام جریانات اپوزیسیون، از چپ و راست، دمکرات، مارکسیست، سلطنت‌طلب و شخصیت‌های ملی و اعضا منشعب خود، همه و همه را به مزدوری و جاسوسی برای رژیم و دم و دنبالچه‌های جمهوری اسلامی متهم میکند، گویا که رژیم هیچ مخالفی ندارد و بسیار دمکرات و آزادیخواه شده است. این در حالی است که هیچ جریان‌باندازه ارتش و شورای رجوی تاکنون به رژیم آخوندی خدمت نکرده است، چه آن زمانیکه در مقابل جریانات سیاسی جامعه، حمایت هر چه بیشتر از مواضع قاطع ضد امپریالیستی، ضد آمریکایی "امام خمینی پدر عظیم‌الشان" را ادامه راه تاریخی میرزا کوچک خان و مدرس معرفی کرده و انبوهی از این موضع‌گیرها (مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیرهای سیاسی مجاهدین صفحه ۱۲۶-۱۰۹) و چه در سر فصلهای تعیین کننده با نهایت فرصت‌طلبی و حرکت‌های ناشیانه برای بدست گرفتن حقیرانه قدرت باعث تحکیم مواضع رژیم شده، مانند سرفصل آتش بس که رژیم وارفته میرفت تا در مقابل خواست مردم عقب نشینی کند اما به یمن یاری رجوی يك پیروزی بزرگ بدست آورد و تضادهای داخلی را به بیرون منتقل کرد بله آقای رجوی تو و رژیم جمهوری اسلامی تکمیل کننده جنایات یکدیگر و دو روی سکه ولایت فقیه می‌باشید و مردم از شما بموازات رژیم با نفرت یاد می‌کنند.

جمعی از اعضا سابق مجاهدین خلق ایران با پروسه رمادی